



ارزیابی عوامل محیطی در شکل‌گیری استقرارهای اشکانی دشت سرخس

داود بهروزی فر^۱، رضا مهر آفرین^{۲*}، محمدرضا سعیدی^۳، احمد چایچی امیر خیز^۴

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی تاریخی دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

۳. دانشیار پژوهشی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، تهران، ایران

۴. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، ایران

چکیده

دوره اشکانی در خراسان بیشتر از ادوار تاریخی ایران شناخته شده است؛ اما نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی مدون و هدفمندی است تا اطلاعات و داده‌های باستان‌شناختی محکم و استواری را در اختیار باستان‌شناسان قرار دهد. با توجه به خاستگاه اشکانیان در شمال شرق ایران، دشت سرخس هدف یک بررسی روشمند میدانی قرار گرفت تا از روند و چگونگی استقرار و تأثیرگذاری دوسویه طبیعت و انسان در منطقه، درک درستی حاصل شود. نتیجه این بررسی، شناسایی چهارده محوطه استقرار از این دوره بود که این تعداد، از منظر عوامل محیطی و وسعت محوطه‌ها، قابل تأمل و ارزیابی است. هم‌چنان‌که گفته شد، هدف و ضرورت این پژوهش بررسی و شناخت استقرارهای دوران اشکانی در این منطقه و مطالعه پیرامون مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و الگوی پراکندگی محوطه‌ها در این حوزه جغرافیایی است. از این رو، محوطه‌های شناسایی‌شده اشکانی دشت سرخس از منظر عوامل محیطی و شاخصه‌های مؤثر جغرافیایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در تحلیل داده‌ها، علاوه بر استفاده از روش‌های مرسوم در بررسی‌های میدانی و الگوهای استقرار، از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شد. خروجی نقشه‌ها و داده‌های استقرارهای اشکانی منطقه نشان داد که از میان عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری استقرارها، دوری و نزدیکی یا قرار گرفتن استقرارها در امتداد مسیر رودخانه‌ها (الگوی استقرار خطی)، راه‌های ارتباطی (نسا و جاده ابریشم)، ارتفاع و ناهمواری در مکان‌گزینی استقرارها در محدوده ارتفاعی بین ۳۰۰ تا ۱۱۰۰ متر از سطح دریا و چگونگی پراکنش آن‌ها در دشت سرخس و همچنین ارتفاعات، در شکل‌گیری استقرارها بیشتر از سایر عوامل محیطی تأثیرگذار بوده‌اند. از مهم‌ترین نتایج بررسی حاضر، شناسایی و کشف استقرارهایی با آثاری غنی از دوره اشکانی و تحلیل شکل‌گیری آن‌ها بر مبنای عوامل و مؤلفه‌های محیطی و نیز بازسازی بخشی از فرهنگ اشکانی در شمال شرق خراسان و تأسیس گاه‌نگاری نسبی پارتیان دشت سرخس در چارچوب طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و گونه‌شناختی نمونه‌های سفالین به‌دست‌آمده است.

واژگان کلیدی: دشت سرخس، بررسی باستان‌شناختی، استقرار اشکانی، عوامل محیطی.

*نویسنده مسئول مکاتبات: مازندران، بابلسر، خیابان پاسداران، سازمان مرکزی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، کد پستی: ۴۷۴۱۶-۱۳۵۳۴

آدرس الکترونیکی: reza.mehrafarin@gmail.com

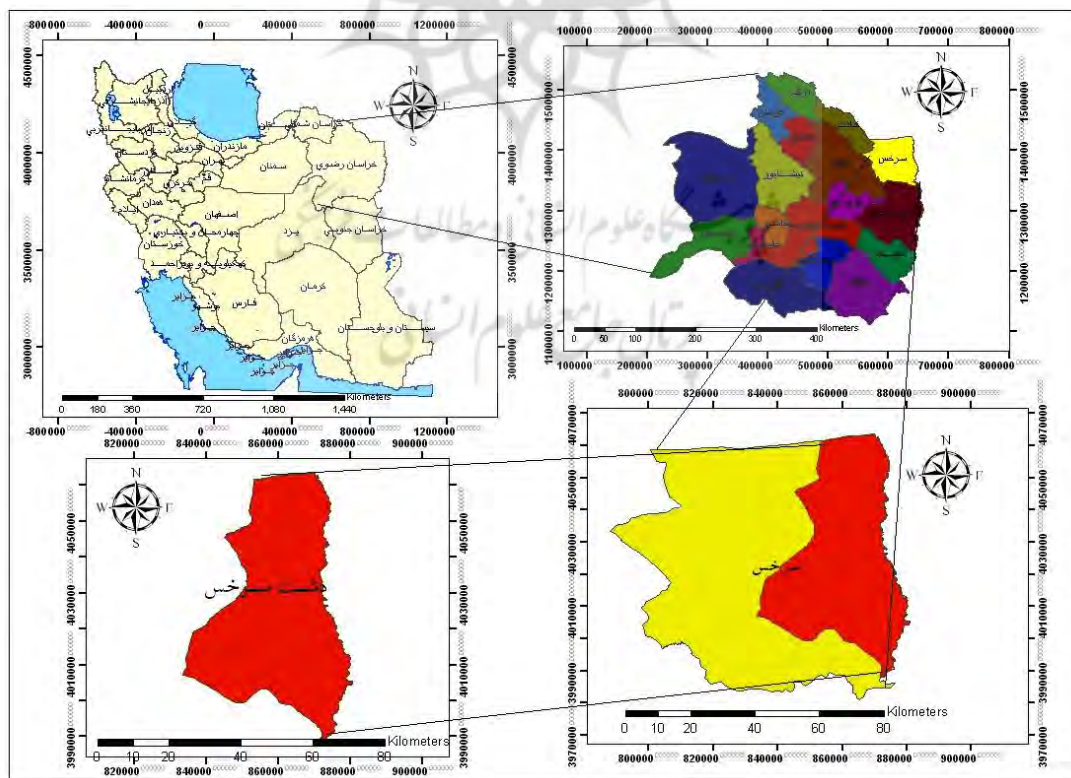
۱. مقدمه

هرینگ معتقد است تا چند دهه گذشته، به‌استثنای اطلاعات مبهم تاریخی، شناخت دوره اشکانی منحصر به چند بنای ویران به‌جامانده اعم از مسجدسلیمان، برد نشانده، قلعه یزدگرد، کنگاور، خورهه، شهر قومس، کوه خواجه و نقش برجسته‌های الیمایی در جنوب غرب ایران بوده است و پس‌از آن، اغلب پژوهشگران به دلیل نبود منابع و مدارک کافی، مطالعات تخصصی این دوره را نیز همچنان بر روی این مکان‌ها متمرکز کرده‌اند [1]. به‌گفته محققان از جمله استرابو، یوستینوس و ژوستین، ارشک یا اشکانامی در زمان درگیری‌های دولت سلوکیه با شورشیان غربی، بر ساتراپ پرثوه هخامنشی شورید و حکومت مستقل پارتی را شکل داد و خاندان پارتی رفته‌رفته با تثبیت سلسله خودشان در سال ۲۴۷ ق.م، شهر نسا در عشق‌آباد ترکمنستان را به‌عنوان پایتخت سیاسی و استقرارهای کوچک‌تری را در سرزمین اولیه خود که محدود به شمال شرق ایران می‌شد، ایجاد کردند [2]. دشت سرخس در شمال شرق ایران به دلیل دارا بودن پتانسیل‌های طبیعی و شرایط زیست‌محیطی بهینه از جمله ارتفاعات، خاک مناسب و اوضاع جوی نسبتاً مساعد، زیستگاه مطلوبی برای شکل‌گیری اجتماعات مختلف انسانی بوده است، از این‌رو منطقه مذکور از بهترین مناطق خراسان جهت انجام فعالیت‌های علمی باستان‌شناسی است [3]. دانسته‌های ما از این منطقه در دوران تاریخی، خصوصاً اشکانیان بسیار اندک و در بسیاری موارد فاقد هرگونه مدارک باستان‌شناختی است. شاید دلیل آن را بتوان فقدان کاوش‌ها، مطالعات باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی هدفمند دانست. محققان در متون جغرافیای تاریخی، خاستگاه اشکانیان را مناطق شمال شرق ایران، به‌ویژه خراسان و پایتخت آن‌ها را نسا در ترکمنستان بیان می‌کنند. با توجه به این‌که خراسان بزرگ بستر بخش عمده‌ای از رویدادهای شکل‌گیری و اوایل حکومت اشکانیان بوده است، پس باید در مطالعات دوره اشکانی، سرزمین خراسان این دوره را به دو زیر دوره الف: دوره شکل‌گیری حکومت اشکانیان و ب: دوره حکومت اشکانیان، تقسیم کرد [4]. دوره اول (شکل‌گیری حکومت اشکانیان) پس از آخرین فاز دوره آهن منطقه، موسوم به یاز III (درب‌گیرنده پایان دوره زمانی هخامنشی) است که از تاریخ ۳۰۰ قبل از میلاد و تا زمان قبل از به سلطنت رسیدن مهرداد اول را در برمی‌گیرد. دوره دوم حکومت اشکانیان پس از شکل‌گیری و به رسمیت شناخته شدن سلسله اشکانیان مقارن با سلطنت مهرداد اول است که تا پایان زوال حکومت اشکانیان توسط اردشیر بابکان ادامه داشته است. انجام مطالعات باستان‌شناختی با تمرکز بر دوران مذکور در خراسان می‌تواند گشاینده دریچه‌ای نوین در مطالعات باستان‌شناسانه این دوره فرهنگی محسوب شود [5]. علاوه بر آنچه گفته شد، می‌توان هویت مشترک تاریخی، فرهنگی و زبانی برخی از کشورهای آسیای میانه، خصوصاً ترکمنستان با کشور ایران، ارتباطات تاریخی سرزمین‌های خراسان بزرگ با ترکمنستان در دوره اشکانیان و ارتباط و پیوند تمدنی در ابعاد مختلف معماری و شهرسازی، سفال‌گری، خط و نقاشی با تمدن اشکانی مستقر در سرزمین ایران و پیوندهای فرهنگ شمال شرق ایران با شمال و فلات ایران مانند تورنگ تپه گرگان از طریق مسیر ارتباطی دشت سرخس و درگز و فرهنگ سفال اشکانیان که در شمال شرق ایران گسترش یافت را نیز اضافه کرد. شناخت محوطه‌های اشکانی و درک باستان‌شناختی آن‌ها، علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات ضروری در ترسیم سیمای فرهنگی منطقه، به ارائه نقشه باستان‌شناسی خراسان و کشور و همچنین به شناخت ما در میزان و نحوه روابط فرهنگی و اقتصادی در گستره زمان، منجر خواهد شد. از نظر جغرافیایی دشت سرخس از سمت جنوب غرب به مشهد راه ارتباطی و مواصلاتی دارد و از سمت شمال و شرق محدود به دشت قره قوم و کوه‌های کپه داغ و هم‌جوار با کشور ترکمنستان و رود تجن مرز مشترک میان ایران و ترکمنستان است. در یک‌فصل بررسی میدانی باستان‌شناسی در دشت سرخس و مطالعه آثار گردآوری‌شده، مطالعات کتابخانه‌ای، به دست آمد که وسعت و تداوم فرهنگی در محل، نزدیکی و قرار گرفتن استقرارگاه‌ها در کنار رودهای تجن، هریرود، کشف‌رود و شورلوق در تمام جهات جغرافیایی مورد مطالعه در دشت سرخس، حاکی از این است که این منطقه یک منطقه فرهنگی کلیدی در حوزه شمال شرق ایران و خراسان بزرگ به‌عنوان حلقه مفقوده و رابط در مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی محسوب می‌شود و از اهمیت فراوانی برخوردار است. به‌رحال پژوهش حاضر، در نخستین گام در جهت شناسایی استقرارهای اشکانی و سپس در راستای شناخت مؤلفه‌های زیست‌محیطی دوره اشکانیان در منطقه موسوم به حوضه دشت سرخس انجام شده است. از این‌رو پژوهش حاضر را می‌توان به‌عنوان نخستین گام مطالعاتی دوره اشکانی در دشت سرخس دانست که علاوه بر معرفی، به تحلیل عوامل محیطی در شکل‌گیری استقرارها و گسترش آن‌ها می‌پردازد. با این پیش‌زمینه تاریخی، به نحو بهتری می‌توان اهمیت دشت سرخس و جایگاه این حوزه جغرافیایی را در تاریخ اشکانیان، بالأخص در اوایل سال‌های شکل‌گیری و گسترش این سلسله، درک کرد. با توجه به

یک فصل بررسی باستان‌شناختی، چهارده استقرار دوره اشکانی، تاکنون در این منطقه شناسایی شده است. محوطه‌های اشکانی در این محدوده جغرافیایی (مزدوران، خان‌گیران، تجن، کل بی‌بی، سرخس و پل خاتون) به خوبی نشان می‌دهد که دشت سرخس در دوره اشکانی از شکوفایی نسبی برخوردار بوده است. در نوشتار حاضر تلاش شده است با قرار دادن محوطه‌های اشکانی سرخس در بافت محیطی آن‌ها، الگویی از عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های اشکانی به دست آید.

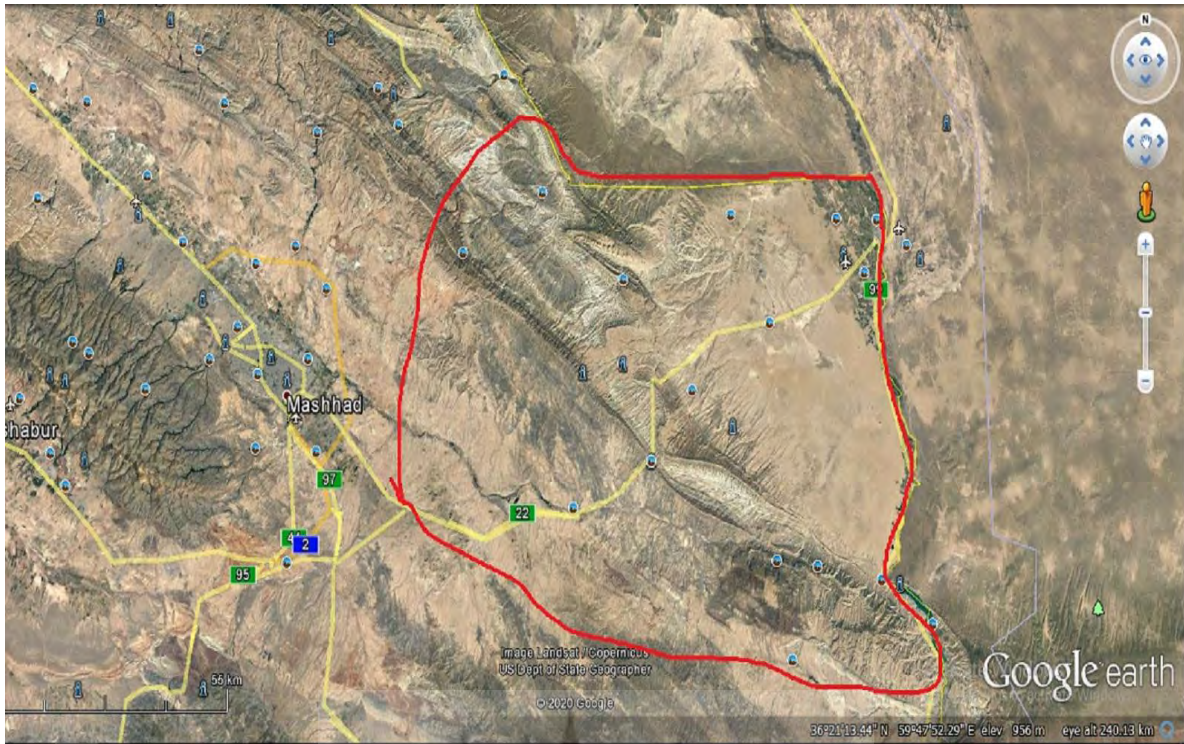
۲. موقعیت دشت سرخس

شهرستان سرخس در شمال شرق ایران به وسعت تقریبی ۶۱۰۰ کیلومترمربع و دشت سرخس به مساحت ۳۵۸۵ کیلومترمربع در منتهی‌الیه شمال شرقی استان خراسان رضوی قرار گرفته و مرکز آن در فاصله ۱۹۹ کیلومتری شرق مشهد در کنار مرز ایران و ترکمنستان واقع است (شکل ۱). این شهرستان بین ۶۰ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۲ دقیقه و عرض جغرافیایی بین ۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۵ دقیقه واقع شده و از طرف شمال و مشرق به کشور ترکمنستان و از جنوب غرب به شهرستان مشهد محدود است (شکل ۲) و دارای دو بخش به نام‌های مزدوران به مرکزیت روستای مزدوران شامل دهستان‌های پل خاتون، کل بی‌بی و بخش مرکزی به مرکزیت شهرستان سرخس شامل دهستان‌های تجن و خان‌گیران است. شهر سرخس به طور میانگین سیصد متر از سطح دریا ارتفاع دارد. بلندترین نقطه دشت در کوه بزنگان واقع است و از سطح دریا ۱۹۵۰ متر ارتفاع دارد و پایین‌ترین نقطه، در بستر رودخانه هریرود و از سطح دریا ۲۵۰ متر ارتفاع دارد [6]. منطقه سرخس از نظر ویژگی‌های طبیعی، در واقع بخشی از حوضه رسوبی کپه داغ است و مهم‌ترین ارتفاعات آن کوه‌های مزدوران و قره داغ و تپه‌ماهورهای شورلق و خان‌گیران است. ارتفاعات غرب آن عمدتاً از سنگ‌های رسوبی دوران دوم و سوم زمین‌شناسی تشکیل یافته است. حوضه آبریز دشت سرخس وسیع است و حدود ۳۵۸۵ کیلومترمربع آن در خاک ایران قرار دارد و از این مقدار ۱۷۱۵ کیلومتر دشت را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین رودهای آن هریرود، تجن، کشف رود و شورلق است. آب‌وهوای دشت به دلیل تأثیرپذیری از ریگزار قره‌قوم دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم و خشک است [7].



شکل ۱: موقعیت دشت سرخس

Fig. 1: Location of Sarakhs plain



شکل ۲: محدوده ماهورهای دشت سرخس (Google Earth)
 Fig. 2: Satellite area of Sarakhs plain (Google Earth)

۳. روش پژوهش

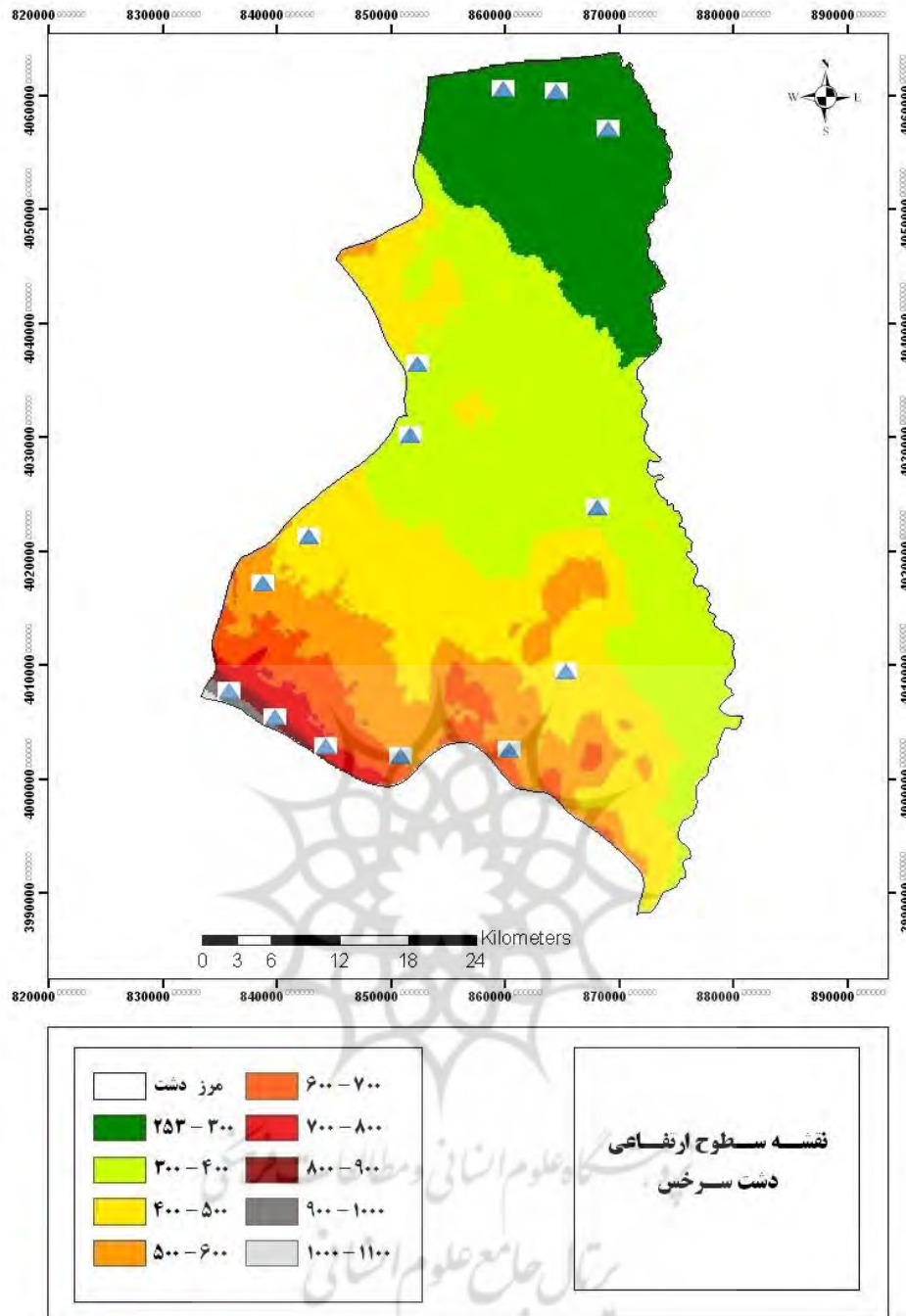
پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی است. مبنای پژوهش، مطالعه عوامل محیطی در شکل‌گیری استقرارهای دوره اشکانی، گسترش و ترک استقرار در کنار مطالعات کتابخانه‌ای است. روش و ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، به دو شیوه اسنادی و فعالیت‌های میدانی صورت گرفته است. در مرحله اسنادی ابتدا کلیه منابع مکتوب، تصاویر و نقشه‌ها جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مطالعات میدانی ضمن پیمایش دشت در منطقه و شناسایی استقرارها، اطلاعات و شواهد باستان‌شناسی موردنیاز (سفال، سکه و سایر مانده‌های منقول باستانی) از محوطه‌های مذکور جمع‌آوری و در بانک اطلاعاتی ثبت شدند. در این پژوهش، برای دستیابی به پاسخ‌های علمی، از روش‌های مرسوم در الگوی استقراری و تحلیل GIS استفاده شد و پس از تهیه خروجی‌ها و نقشه‌ها برای تحلیل سؤال‌ها به دو روش توصیفی و استنباطی عمل شد. در روش توصیفی به بررسی و تاریخ‌گذاری استقرارها پرداخته شد و در روش استنباطی متغیرهای مختلف محیطی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، بررسی و تحلیل عوامل محیطی در شکل‌گیری استقرارهای اشکانی دشت سرخس در چارچوب داده‌های اسنادی و میدانی با بهره‌گیری از خروجی نقشه‌ها صورت پذیرفت.

۴. مؤلفه‌های محیطی در شکل‌گیری و پراکندگی استقرارهای دشت سرخس

نتیجه یک‌فصل بررسی میدانی در دشت سرخس منجر به شناسایی چهارده محوطه اشکانی شد (شکل ۱۱). مبنای تاریخ‌گذاری، قطعات سفال‌های شاخص سطحی و سکه‌های به‌دست‌آمده از سطح محوطه‌های معرفی شده است (شکل ۱۳) که از نظر مقایسه گونه‌شناختی با نمونه سفال‌های به‌دست‌آمده از بندیان در گز [9، 8]، نسا [10]، مرو ترکمنستان [11] و سایر مناطق در غرب ایران قابل‌مقایسه است. از چهارده محوطه اشکانی شناسایی شده، پنج محوطه در بخش سرخس، سه محوطه در بخش تجن، دو محوطه در بخش کل بی‌بی، یک محوطه در بخش مزداوند و سه محوطه در قسمت خان گیران واقع شده است (شکل ۱۲). در این پژوهش تلاش شد با مبنای قرار دادن پراکندگی مواد فرهنگی در سطح محوطه‌ها و نقاط عرصه و حریم استقرارها، وسعت تقریبی هر یک از محوطه‌ها در شرایط حاضر مشخص شود. بر این اساس، وسعت محوطه‌های اشکانی دشت سرخس بر اساس رتبه استقراری به

این گونه تقسیم می‌شود: هفت محوطه کمتر از نیم هکتار، سه محوطه بین نیم تا یک هکتار و چهار محوطه بین یک تا یک و نیم هکتار. استقرارهای کوچک، به احتمال زیاد، روستاهای خُرد اقماری بوده‌اند یا این که بخشی از آن‌ها در زیر رسوبات منطقه دفن شده است. بین آنالیز ژئومورفولوژیکی زمین سیما و راهبردهای استقراری و معیشتی جوامع باستان‌شناختی و تغییرات مداوم ساختار آن روابط معناداری وجود دارد. بدین معنی که نوعی از روابط از طریق زمین سیما و اکولوژی حاصل می‌شود که شناخت ساختار زمین‌شناختی و بسترهای محیطی یک زمین سیما و داده‌های محیط زیستی که این رفتار را منعکس می‌کنند؛ ما را در درک بهتر انتخاب راهبردهای گوناگون توسط انسان گذشته و در اکوسیستم‌های متغیر یاری می‌کند [12] توانمندی‌های محیطی (طبیعی و انسانی) بستر الگوهای استقرارگاه‌های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می‌آورد و ساختار فضایی هر مکان، تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است. محیط طبیعی، ترکیبی از پستی‌وبلندی‌ها، اقلیم، آب‌وهوا، خاک، ساختار زمین‌شناسی، سیستم هیدرولوژی، ژئومورفولوژی و سایر عناصر طبیعی و شکل‌دهنده بستر اصلی هر نوع توسعه انسانی است [13].

ارتفاع: یکی از مهم‌ترین فاکتورهای مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها، ارتفاع و ناهمواری است. محوطه‌های باستانی، بسته به اهداف ساخت آن‌ها، در مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ها یا دشت شکل می‌گیرند. با قرار دادن محوطه‌ها در یک پهن‌دشت محیطی، می‌توان عوامل محیطی حاکم بر پراکندگی آن‌ها را مشخص کرد. از چهارده محوطه اشکانی سرخس، سه محوطه با ارتفاع بیش از ۹۰۰ تا ۱۱۰۰ متر و سه محوطه در ارتفاع نسبتاً مرتفع تقریباً کوهپایه‌ای با ارتفاع ۶۰۰ تا ۸۰۰ متر و هشت محوطه در دشت در ارتفاع کمتر از ۶۰۰ متر واقع شده یا شکل‌گرفته است (شکل ۳). از نکات جالب توجه در این مورد، شکل‌گیری بخش عمده‌ای از این محوطه‌ها در دشت سرخس است. دشت سرخس یک دشت میان کوهی است؛ بنابراین انتظار وجود محوطه‌های تاریخی در مناطق مرتفع این شهرستان، خصوصاً تنها دریاچه طبیعی بزرگان که در منطقه معروف به کل بی‌بی و در ارتباط با ایزد بانوی آن‌اهیتا است، دور از انتظار نیست. این محوطه‌ها نیز از منظر کاربری قابل ارزیابی است. تمامی محوطه‌های شکل‌گرفته در مناطق کوهپایه‌ای، محوطه‌هایی با کاربری مسکونی هستند. به جز یک مورد نادر در بخش ارتفاعات مزداوند که به احتمال زیاد، به‌عنوان قلعه تدافعی استفاده می‌شده است. به عبارت دیگر، هیچ‌یک از محوطه‌های شکل‌گرفته در مناطق کوهستانی شهرستان سرخس کاربری نظامی نداشته‌اند. این مورد از این رو حائز اهمیت است که دشت سرخس در مجاورت کوه‌های مزدوران و بیابان قره قوم واقع شده است و با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک آن، انتظار وجود این طیف محوطه‌ها، منطقی به نظر می‌رسد.

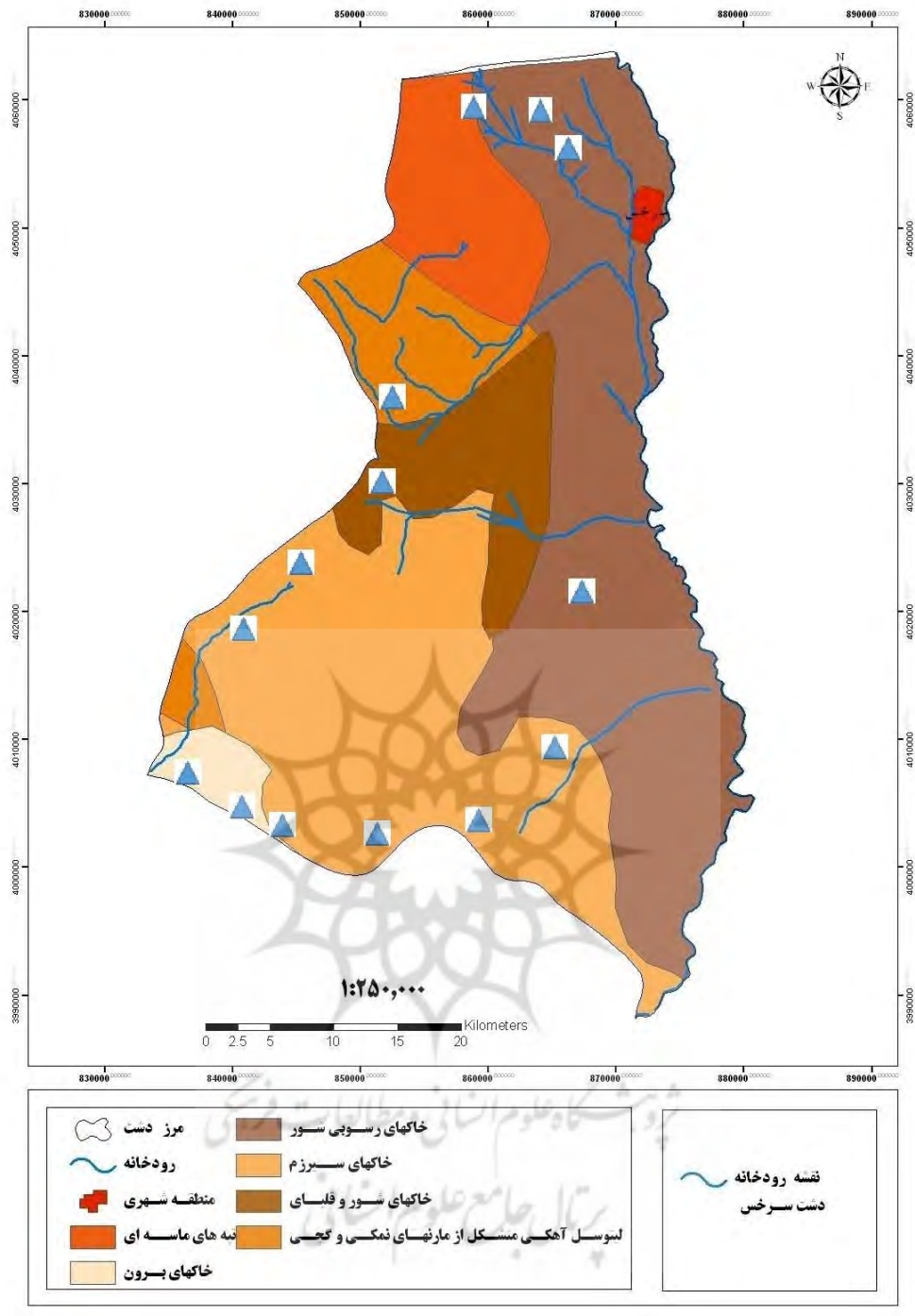


شکل ۳: تغییرات ارتفاعی دشت سرخس و مکان محوطه‌ها نسبت به آن [14]
 Fig. 3: Elevation changes of Sarakhs plain and the location of yards relative to it [14]

هیدرولوژی: از چهارده استقرار اشکانی دشت سرخس، هشت محوطه در دشت واقع شده‌اند که به دلیل وسعت و تداوم آثار و در امتداد قرار گرفتن استقرارها در کنار رودهای تجن، هریرود، کشف رود و شورلوق در تمام جهات جغرافیایی مورد مطالعه دشت سرخس شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. با توجه به نقش آب در شکل‌دهی به سکونتگاه‌های انسانی، انتظار می‌رود محوطه‌های اشکانی دشت سرخس نیز اغلب متأثر از منابع آب‌های دشت، شکل گرفته و پراکنده شده‌اند. از میان منابع آبی دشت سرخس، محوطه‌های اشکانی این منطقه از منظر نزدیکی به رودخانه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. مهم‌ترین رودهای دشت سرخس به شرح زیر است: ۱- رودخانه هریرود: از کوه‌های افغانستان سرچشمه می‌گیرد و از شمال شرق و تایباد وارد ایران می‌شود. این رودخانه

پس از پیوستن به جامرود و کشف رود به نام رودخانه تجن در مرز مشترک ایران و ترکمنستان به طرف صحرای قره‌قوم جریان می‌یابد. این رودخانه که از میان دشت سرخس می‌گذرد، در تغذیه سفره آب زیرزمینی آن نقش مؤثر دارد. ۲- رودخانه شورلق: از ارتفاعات کوه شورلق و بزنگان در جنوب غربی منطقه سرچشمه می‌گیرد و سیلاب آن در سطح دشت پنخس می‌شود و آن را تغذیه می‌کند. وسعت حوضه تا ابتدای دشت حدود ۳۱۴ کیلومتر مربع است [6]. ۳- رودخانه تجن: تجن قبل از اسلام به نام شهد و رودخانه تجن به نام رودخانه شهدرود معروف بوده است. از چهارده محوطه اشکانی دشت سرخس، هشت محوطه (۵۸٪) در فاصله کمتر از ۴۰۰ متری رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند. این مورد، نقش رودخانه‌ها را در شکل‌دهی الگوهای استقرار و پراکندگی محوطه‌های مورد پژوهش نشان می‌دهد. یک محوطه بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متری رودخانه (۴٪) و پنج محوطه دیگر (۳۶٪) در فاصله بیش از ۳۰۰۰ متری رودخانه‌های دائمی قرار دارند (شکل ۴). با استناد به موارد فوق، رودخانه‌های دشت سرخس در شکل‌گیری و نحوه پراکندگی محوطه‌های اشکانی این منطقه عامل مهمی محسوب می‌شوند، به نحوی که بیش از نیمی از استقرارهای اشکانی این منطقه، در فاصله کمتر از ۴۰۰ متری رودخانه‌ها ایجاد شده‌اند. البته باید یادآوری کرد که درک فعلی ما از این موضوع، شرایط جاری منطقه است و چه بسا با گذشت زمان بسیاری از رودخانه‌ها تغییر مسیر داده‌اند یا این که برخی از رودخانه‌ها خشک و یا رودخانه‌های جدیدی در منطقه به وجود آمده‌اند. این موضوع برای چشمه‌های آب و دیگر مؤلفه‌های هیدرولوژی نیز صادق است.

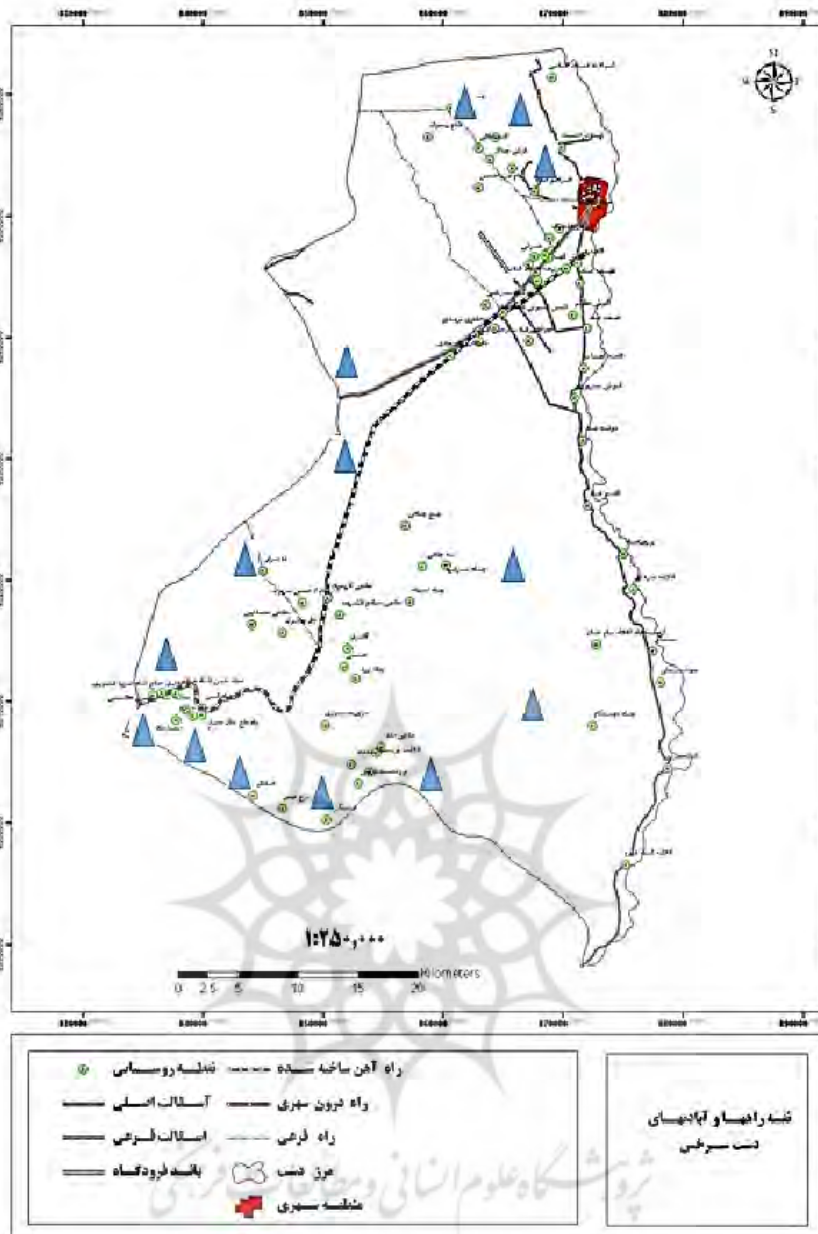




شکل ۴: موقعیت قرارگاه‌ها نسبت به فاصله از رودخانه‌های دشت سرخس [15]
 Fig. 4: Location of settlements relative to the distance from the rivers of Sarakhs plain [15]

راه‌های ارتباطی: در مبحث عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های اشکانی دشت سرخس، راه‌های ارتباطی یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل‌گیری، گسترش و پراکندگی آن‌ها به شمار می‌رود. در بسیاری از موارد، محوطه‌های تاریخی در مجاورت راه‌های ارتباطی اصلی شکل گرفته‌اند. با نگاهی به تاریخ سیاسی دوران اشکانی، نقش خراسان به‌عنوان یک پل ارتباطی مهم بین آسیای میانه و فلات ایران در شکل‌گیری، رشد و نمو حکومت اشکانیان به‌خوبی قابل فهم است. به‌نحوی که با اطمینان می‌توان خراسان بزرگ را بستر بخش عمده‌ای از رویدادهای اوایل حکومت اشکانیان قلمداد کرد که در رویدادهای سیاسی بعد از حکومت مهرداد اول تا زوال این سلسله به دست اردشیر بابکان، نقش مهم و حیاتی در تاریخ این حکومت‌ها داشته است [4] و پس

از شکل‌گیری حکومت اشکانیان مهم‌ترین شهرها و استقرارهای این دوره در مناطق دشت سرخس، درگز، مرو و نسا در عشق‌آباد ترکمنستان به‌عنوان حیاتی‌ترین پایگاه‌های حکومتی سلسله اشکانیان شکل گرفته است. در تاریخ ایران باستان و در دوران اشکانی پیوسته از سرخس سخن به میان آمده است و اگر بنا به اظهارنظرهای مورخان معتقد باشیم که فردوسی، مأخذی از تاریخ ایران شرقی در اختیار داشته که بعدها از دست‌رفته‌اند؛ معلوم می‌شود که نام سرخس از دورترین روزگاران تاریخ ما که هنوز در نقاب تاریکی مانده، وجود داشته است [16]. از نظر موقعیت مکانی نیز بر ما روشن است که این دشت، همواره در مسیر جاده‌های مهم باستانی مانند جاده ابریشم بوده و به‌منظور مراودات فرهنگی، تجاری و اقتصادی بین شرق و غرب اهمیت زیادی داشته است. راه‌های ارتباطی شمال به جنوب این منطقه را نباید از یاد برد که شمال خراسان تا سیستان و شبه‌قاره هند را به یکدیگر متصل می‌کرد. طی تحقیقات باستان‌شناسی در سرزمین ترکمنستان نیز استقرارهای تاریخی گسترده و مهمی از محوطه‌ها مانند مرو و نسا با آثار فرهنگی گوناگون معرفی شده است؛ درحالی که منابع، غالباً ظهور اشکانیان را از این منطقه قلمداد می‌کنند [17] و نیز می‌دانیم که آساک (حوالی شهرستان قوچان امروزی) شهر تاج‌گذاری ارشک در پرثوه و در نزدیکی استائنه و نسا قرار داشته است. موقعیت جغرافیایی ویژه دشت سرخس، به خصوص واقع‌شدن آن در بین حوزه‌های فرهنگی فلات ایران و آسیای مرکزی، خصوصاً ترکمنستان از یک طرف و دارا بودن شرایط زیست‌محیطی مطلوب برای زندگی انسان از طرف دیگر و نیز روی آوردن و انجام مطالعات باستان‌شناسی به‌وسیله محافل علمی دنیا در ترکمنستان در عین حال وابستگی فرهنگی منطقه مذکور به دشت سرخس و بالعکس، در دوران تاریخی اشکانی، موجب شده است تا بررسی و تحلیل باستان‌شناختی استقرارهای اشکانی دشت سرخس خراسان نقش کلیدی در مطالعات فرهنگ‌های تاریخی به‌طور عام، شمال شرق ایران و ترکمنستان به‌طور خاص داشته باشد. نکته مهم، این که نسا مرکز سیاسی حکومت اشکانیان بوده است. سرخس تقریباً در مرکز خراسان بزرگ و در مسیر شاهراه بزرگی که از بغداد شروع و به مرو و هرات ختم می‌شد، قرار داشته است و در حقیقت در چهارراه اقوام مختلف واقع شده بود و جاده معروف ابریشم که از «سیانک» پایتخت چین قدیم آغاز و به رم ختم می‌شد، از مدخل سرخس وارد ایران کنونی می‌شد. شرایط اقلیمی خراسان بزرگ ایجاب می‌کرد که راه‌های شرقی و غربی از ناحیه سرخس بگذرد [18]؛ زیرا مرکز خراسان شمالی را بیابان‌های خشک فراگرفته بود، درحالی که بخش‌های آباد در شرق و غرب آن را از هم جدا می‌کرد. سرخس، در مدخل بخش غربی در حدفاصل مرو و نیشابور قرار داشت. با توجه به قرارگیری دشت سرخس در مسیر راه‌های ارتباطی و کوچ‌روها می‌توان به‌ضرورت توجه و بررسی کلی باستان‌شناختی و راه‌های ارتباطی این منطقه پی برد (نقشه ۴). ده محوطه (۷۲٪) از مجموع چهارده استقرار اشکانی دشت سرخس، در فاصله بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متری، دو محوطه در فاصله بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متری (۲۴٪) و دو محوطه دیگر در فاصله بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متری (۲۴٪) جاده‌های اصلی ارتباطی قرار گرفته‌اند. این مورد، نشان‌دهنده نقش برجسته جاده‌های ارتباطی در شکل‌گیری و نحوه پراکندگی محوطه‌های اشکانی دشت سرخس است (شکل ۵). جاده‌های ارتباطی این شهرستان نیز از دشت سرخس عبور کرده و در شکل‌گیری و پراکندگی این محوطه‌ها نقش قابل‌توجهی داشته است. در مجموع، از میان عوامل محیطی، نزدیکی به منابع آب، جاده‌های ارتباطی، ارتفاع و ناهمواری، به نسبت دیگر عوامل محیطی در شکل‌گیری و پراکندگی استقرارهای اشکانی دشت سرخس تأثیر بیشتری داشته است. از چهارده محوطه شناسایی‌شده دشت سرخس، هشت محوطه در فاصله کمتر از چهارصد متری رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند. به‌علاوه، ده محوطه در فاصله کمتر از هزار متری جاده‌های اصلی واقع شده‌اند و بیشتر استقرارها در بخش دشت سرخس و کمتر از ششصد متر از سطح دریا واقع شده‌اند.



شکل ۵: موقعیت استقرارها نسبت به فاصله از راه‌های ارتباطی [14]

Fig. 5: Position of deployments relative to distance from communication routes [14]

ژئومورفولوژی: از مؤلفه‌های دیگر می‌توان به شکل زمین یا ساختار ژئومورفولوژی محیط طبیعی منطقه اشاره کرد. مرز دشت سرخس با کوه‌های مزدوران در سطح زمین وضوح چندانی ندارد. زیرا نحوه برخورد آن‌ها تدریجی است و یک سری تپه‌هایی که به تدریج از مشرق به مغرب بر ارتفاع آن‌ها افزوده است، دشت سرخس را با دامنه‌های شرقی کوه‌های مزدوران ارتباط می‌دهد ولی مرز ساختمانی دشت سرخس با رشته چین‌خورده مزدوران (واحد هزار مسجد - کپه داغ) را خط گسلی عشق‌آباد تعیین می‌کند. سرخس دارای دشت نسبتاً بزرگ و همچنین دارای واحد کوهستانی است. بخش نسبتاً وسیعی از منطقه مورد مطالعه را واحد کوهستان در برمی‌گیرد. این واحد بیشتر در غرب و جنوب غرب گسترش یافته و شامل کوهستان‌های مزدوران، بزنگان و تنگ نیزار است. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های واحد کوهستانی، شیب و ارتفاع آن است. میزان شیب در این واحد ۲۴ درصد به بالا بوده ولی در بعضی مناطق به حدود ۵ درصد نیز می‌رسد. در واحد دشت سرخس، اراضی نسبتاً مسطح با پستی‌وبلندی اندک و ارتفاعات کم و کوتاه تشکیل یافته و ارتفاعات موجود در این محدوده، فاقد اشکوب‌بندی اقلیمی قابل توجه است. واحد دشت، شامل دشت

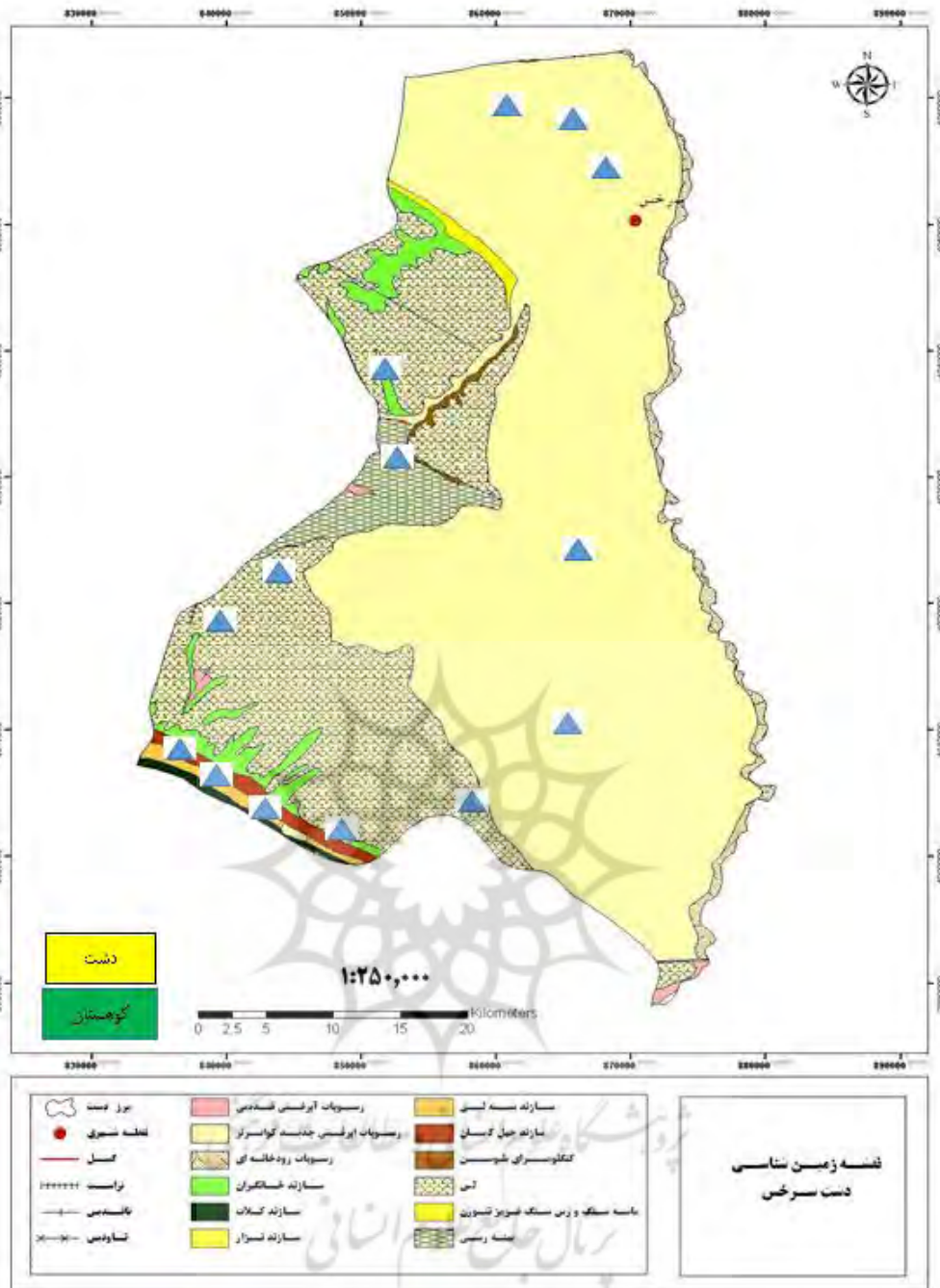
دامنه‌ای و خاک‌های عمیق است. در این محدوده‌ها، زراعت‌های آبی، درخت‌کاری و در برخی نقاط دیم‌کاری غلات به‌طور گسترده‌ای رواج دارد. در دشت‌های رسوبی رودخانه‌ای نیز که خاک در آن‌ها شوری و قلیایی کم تا متوسط دارد، جالیزکاری و زراعت آبی مرسوم است (حاشیة رودخانه‌های هریرود و تجن). بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده می‌توان پی برد که بیشترین مساحت سرخس، دشت است که بیشتر استقرارها در این ناحیه قرار گرفته‌اند (جدول ۱). بر این اساس، در شکل ۶، توزیع استقرارهای دشت سرخس در رابطه با شکل زمین (کوهستانی و دشت) نشان داده شده است (شکل ۶)

جدول ۱: جدول توزیع استقرارها در مناطق دشتی و کوهستانی

Table 1: Distribution table of settlements in plain and mountainous areas

درصد Percent	تعداد استقرارها Number of deployments	درصد Percent	مساحت (کیلومتر مربع) Area (square kilometers)	شکل زمین Earth shape
72	10	86	3090	دشت Plain
28	4	14	490	کوهستان mountain





شکل ۶: موقعیت استقرارها در مناطق کوهستان و دشت [19]

Fig. 6: Location of settlements in mountainous and plain areas [19]

اقلیم: از دیگر عوامل تأثیرگذار محیطی بر شکل‌گیری استقرارها، طبقات اقلیمی است. اقلیم یا آب‌وهوا از دیرباز تأثیر بسزایی در زندگی بشر داشته است. از منظر باستان‌شناسی، استقرارهای باستانی در هر منطقه‌ای تحت تأثیر محیط و اقلیم آن منطقه قرار دارند. دشت سرخس به خاطر قرار گرفتن در عرض جغرافیایی پایین، جزء شهرستان‌های گرم کشور به شمار می‌آید. ارتفاع کم ناحیه دشت سرخس با حدود میانگین ۳۰۰ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد و مجاورت منطقه با صحرای قره‌قوم در پدید آوردن آب‌وهوای آن مؤثر است [19]. سرخس دارای آب‌وهوایی خشک است که در تابستان‌ها، گرمای آن به حدود ۵۰ درجه سانتی‌گراد و در زمستان‌ها به علت وزش بادهای خشک و سرد کویری گاهی به ۱۲ درجه سانتی‌گراد زیر صفر هم می‌رسد. دشت سرخس به‌عنوان یکی از محدوده‌های حرارتی کشور از میانگین نسبتاً بالای دما برخوردار است و برای مطالعه توزیع زمانی و مکانی درجه

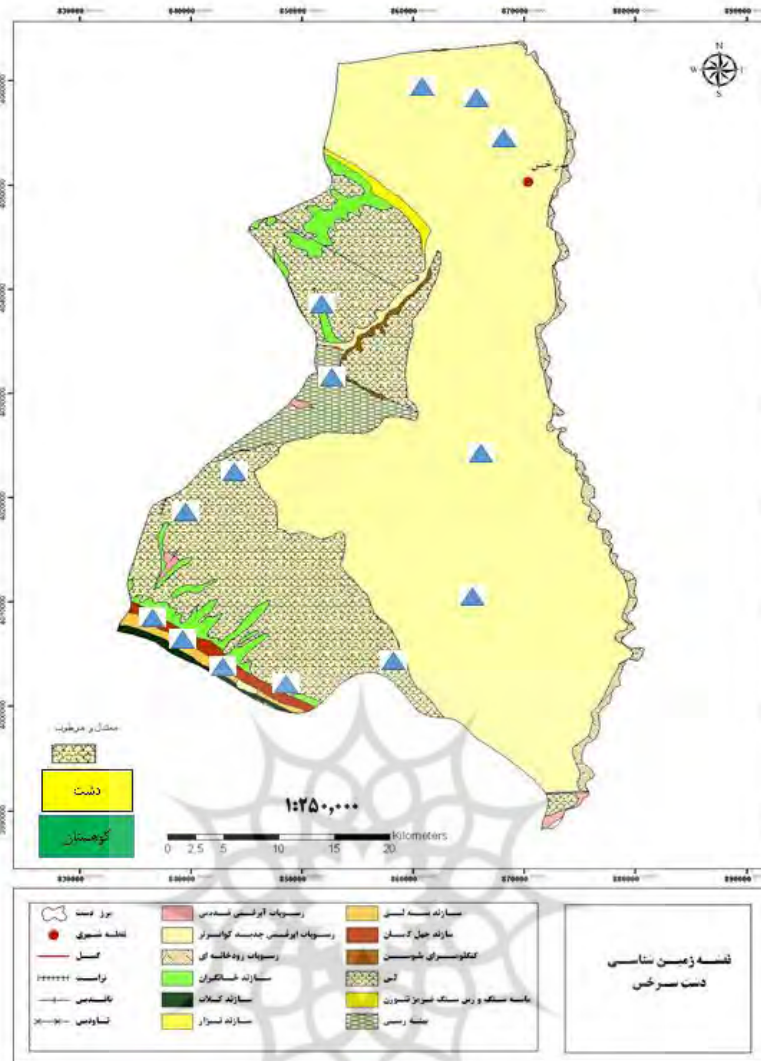
حرارت در منطقه مزبور، از آمار ایستگاه‌های موجود استفاده شده است. میزان این عنصر اقلیمی در ایستگاه‌های بزنگان، گنبدلی و سرخس به ترتیب ۱۶/۸، ۱۶/۳ و ۱۵ درجه سلسیوس محاسبه شده است. بر اساس اطلاعات گرادیان حرارتی منطقه [20]، به ازای هر صد متر افزایش ارتفاع، ۰/۲ درجه سلسیوس کاهش دما قابل محاسبه است. به‌طور کلی دشت سرخس از نوع آب‌وهوای گرم و خشک در دشت، معتدل و کوهستانی در ارتفاعات است. نواحی جنوبی دشت، معتدل و کوهستانی است و زمستان سرد و پربرف، ولی تابستان‌های معتدل دارد. بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده، بیشترین گستره آب‌وهوایی در دشت، اقلیم گرم و خشک، سپس معتدل و مرطوب در ناحیه بزنگان و پس‌از آن کوهستانی در ارتفاعات مزدوران است (جدول ۲) و بیشترین توزیع سکونتگاه‌های مسکونی نیز در دشت و سپس دو اقلیم معتدل و کوهستانی است (شکل ۷).

جدول ۲: توزیع استقرارها در طبقات اقلیمی مختلف

Table 2: Distribution of settlements in different climatic classes

درصد Percent	تعداد استقرارها Number of deployments	طبقات اقلیمی Climate classes
50	7	گرم و خشک Warm and dry
29	4	معتدل و مرطوب mild and humid
21	3	سرد و کوهستانی Cold and mountainous

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



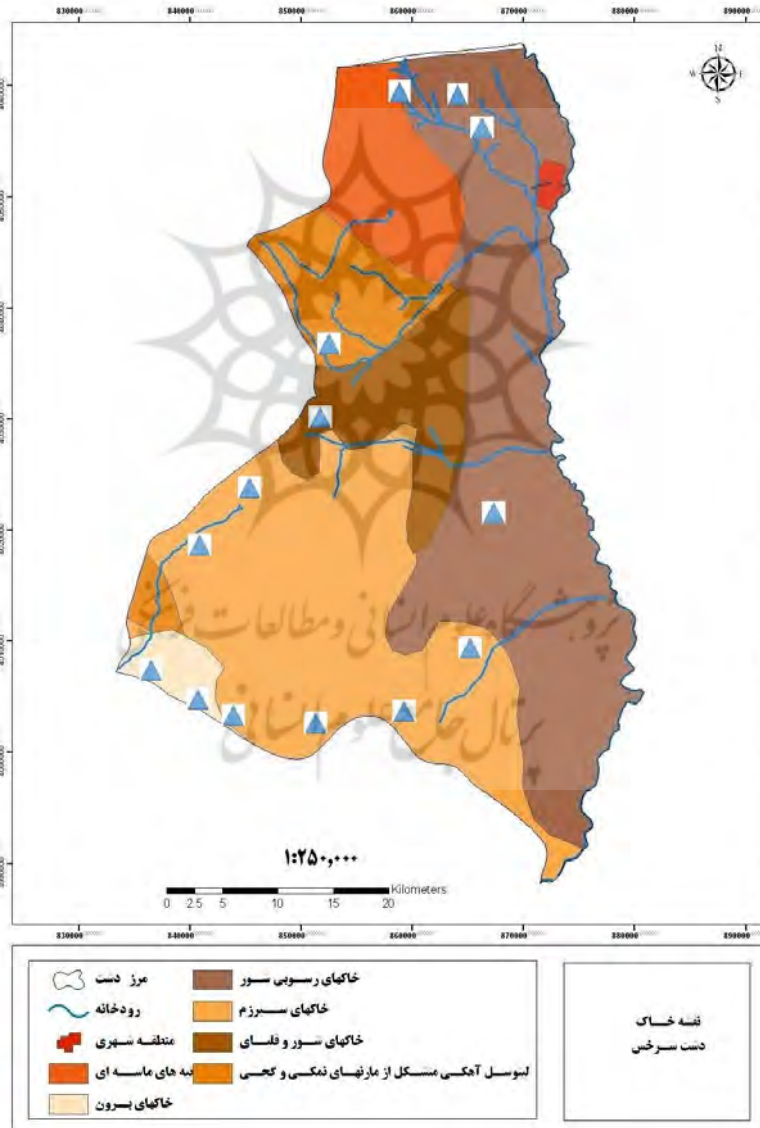
شکل ۷: موقعیت استقرارها در طبقات اقلیمی [14]

Fig. 7: Location of settlements in climatic classes [14]

خاک: از دیگر عوامل بالقوه مؤثر در نحوه پراکندگی استقرارهای اشکانی دشت سرخس، خاک است. خاک در هر منطقه‌ای قابلیت‌های متفاوتی برای فرآورده‌های گوناگون کشاورزی دارد، در نتیجه، ساختار معیشت منطقه را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. خاک، عاملی است که گیاهان در آن رشد می‌کنند، بنابراین، یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی خاک، عمق آن است. در توزیع استقرارهای باستانی، کیفیت و کمیت خاک، برای بهره‌برداری بیشتر از آن بسیار مهم است. در تحلیل پراکندگی استقرارهای محدوده مورد مطالعه، الگوی قرارگیری این استقرارها از لحاظ نوع خاک مورد توجه بوده است. در نگاه کلی، خاک‌های دشت سرخس به دو گروه تقسیم می‌شوند که عبارت هستند از: ۱- خاک‌های اغلب رسوبی که به وسیله رودخانه‌ها، سیلاب‌ها و یا آبیاری بر جای گذاشته شده‌اند. این خاک‌ها بیشتر در امتداد دره کشف رود، دره تجن و در حوالی شهر سرخس وسعت فراوان و چشم‌گیر دارند. ۲- خاک‌های قهوه‌ای کم‌رنگ و زرد که بر روی ارتفاعات سرخس جای دارند و جنس آن‌ها به تبعیت از مواد درونی زمین، تغییر می‌کند. خاک‌های گروه اول از قدیمی‌ترین ادوار تاریخی مورداستفاده زراعتی هستند، درحالی‌که خاک‌های دسته دوم برای امر کشاورزی کمتر مورداستفاده قرار می‌گیرند. در ترکیب گروه اول، خاک‌های رسی، لیمونی و سنی، با عمق و شوری مختلف دیده می‌شوند و مواد اصلی خاک‌های گروه دوم را خاک‌های نمکی، گچی به همراه خاک‌های سنی تشکیل می‌دهند (جدول ۳). بر این اساس، در شکل ۸، تأثیر نوع خاک در شکل‌گیری استقرارهای دشت سرخس نشان داده شده است (شکل ۸).

جدول ۳: توزیع استقرارها بر پایه نوع خاک
 Table 3: Distribution of settlements by soil type

درصد Percent	تعداد استقرارها Number of deployments	نوع خاک Soil type
29	4	خاک‌های رسوبی شور Saline sedimentary soils
7	1	خاک‌های شور قلیایی Alkaline saline soils
14	2	خاک‌های نمکی و گچی Salt and gypsum soils
36	5	خاک‌های سبزه Soil soils
14	2	خاک‌های برون Outer soils

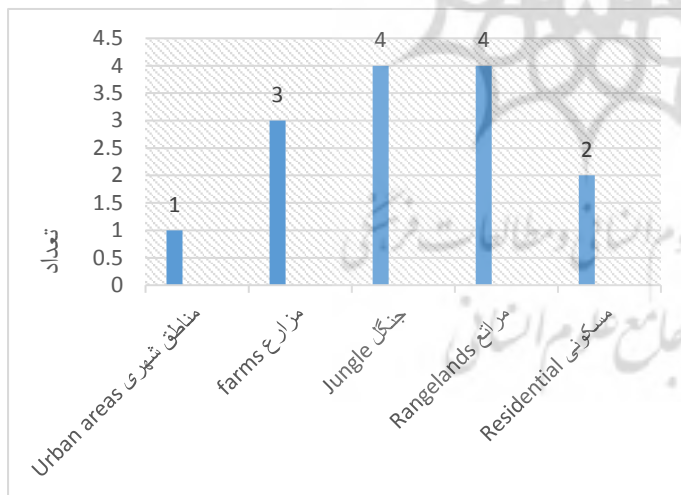


شکل ۸: موقعیت استقرارها نسبت به طبقات نوع خاک [21]
 Fig. 8: Position of settlements in relation to soil type classes [21]

کاربری زمین: از دیگر مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های باستانی، نوع کاربری زمین‌ها است. در این رابطه، قرارگیری محوطه‌ها در کاربری‌های متفاوت، می‌تواند به ما در درک بهتر عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها کمک کند. دشت سرخس تحت تأثیر آب‌وهوای نیمه استپی (علف‌های کوتاه)، جنس خاک، پستی‌وبلندی دارای پوشش گیاهی متنوع است؛ اما به‌طور کلی می‌توان پوشش گیاهی آن را به دو نوع تقسیم کرد: ۱- جنگل: عمده درختان جنگلی سرخس از دسته پسته هستند. غیر از پسته می‌توان، بادام‌کوهی و درختچه‌های گز و قیچ را نام برد. ۲- مراتع: مراتع به دودسته زمستانی و بهاره تقسیم می‌شوند. مراتع زمستانی به‌طور کلی از جامعه استپی دامنه و گون هستند که در محل به نام تریخ مشهور است؛ اما مهم‌ترین علوفه بهاری سرخس، نبات چهل‌روزه (نوعی خوراک دام) است. مراتع، یکی از منابع مهم ثروت طبیعی سرخس به شمار می‌روند و در حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش شدید آن مؤثر هستند. اغلب محوطه‌های اشکانی سرخس در دشت، در مناطق شهری، جنگل، مزارع و مراتع به‌خوبی شکل‌گرفته است (جدول ۴). این زمین‌ها، از زمین‌های مساعد با قابلیت کشاورزی در دشت سرخس هستند. بر این اساس، می‌توان با احتیاط از مساعد بودن بستر زمین‌های دشت سرخس برای کشاورزی سخن گفت. هرچند این عامل باید در کنار منابع آبی و شیب دشت سرخس ارزیابی و تحلیل شود، به نظر می‌رسد با توجه به‌قرار گرفتن بخش عمده‌ای از محوطه‌های اشکانی سرخس در دشت و با توجه به رودخانه‌های دائمی، به‌احتمال زیاد، اقتصاد بخش عمده‌ای از این محوطه‌ها مبتنی بر کشاورزی بوده است. بنابراین می‌توان احتمال داد اقتصاد محوطه‌های اشکانی سرخس تا حد قابل‌توجهی مبتنی بر کشاورزی بوده است. مساعد بودن زمین‌های دشت سرخس، به همراه غنای مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی، به نحو ضمنی نشان‌دهنده مساعد بودن بستر دامداری در این شهرستان است، پس می‌توان دامداری و کشاورزی را دو منبع مهم تأمین اقتصاد ساکنان اشکانی دشت سرخس به‌حساب آورد. باین‌حال، اظهارنظر صریح و دقیق در این رابطه، تنها با کاوش‌های گسترده در محوطه‌های اشکانی این شهرستان و داده‌های باستان‌شناسی مرتبط با این نوع اقتصاد امکان‌پذیر است. بر این اساس توزیع فضایی استقرارها در رابطه با نوع کاربری و پوشش زمین در قالب جدول نشان داده‌شده است (شکل ۹)

جدول ۴: توزیع استقرارها بر پایه زمین و پوشش گیاهی

Table 4: Distribution of settlements based on land and vegetation



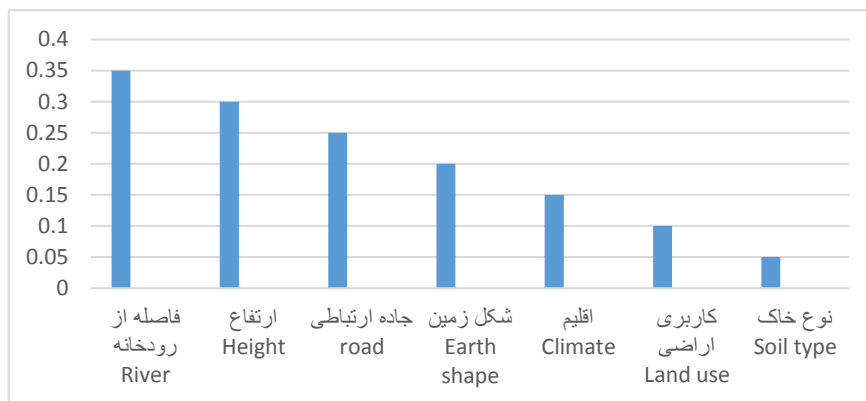
شکل ۹: تعداد استقرارها نسبت به نوع اراضی
Fig. 9: Number of settlements by land type

درصد Percent	تعداد استقرارها Number of deployments	کاربری اراضی Land use
7	1	مناطق شهری Urban areas
21	3	مزارع farms
29	4	جنگل Jungle
29	4	مراتع Rangelands
14	2	مسکونی Residential

۵. رتبه‌بندی عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی استقرارهای دشت سرخس

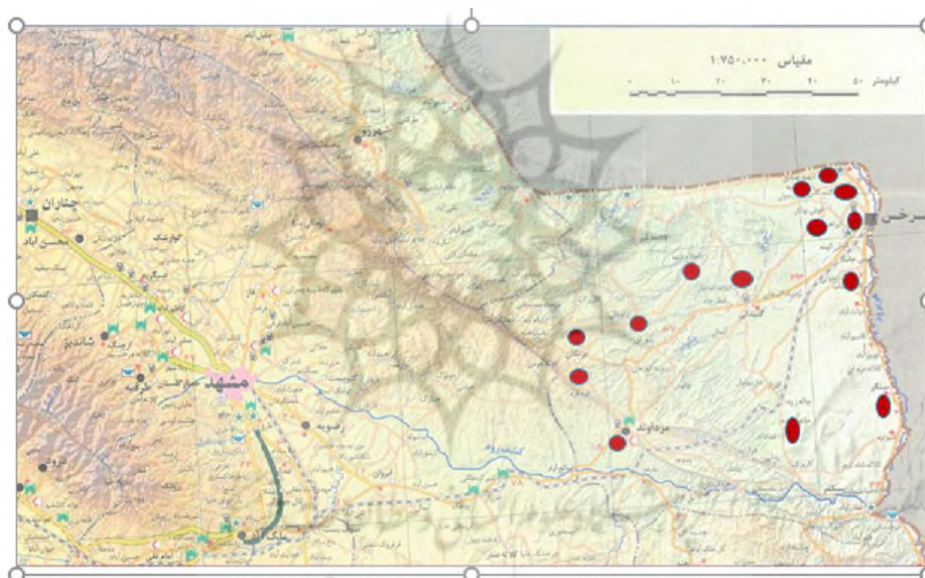
با استفاده از تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی، عوامل محیطی بررسی شده مؤثر در میزان توزیع استقرارگاه‌ها، تحلیل و رتبه‌بندی شده است. محاسبه میانگین استقرارها و تقسیم امتیازات بر هفت (تعداد عوامل محیطی) است. این میانگین‌ها، معیارهای مقایسه

شونده را ایجاد می‌کنند که در آن دسترسی به منابع آب و فاصله از رودخانه‌ها، ارتفاع و جاده‌های ارتباطی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است و سایر مؤلفه‌ها که بیان شد کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۱۰).



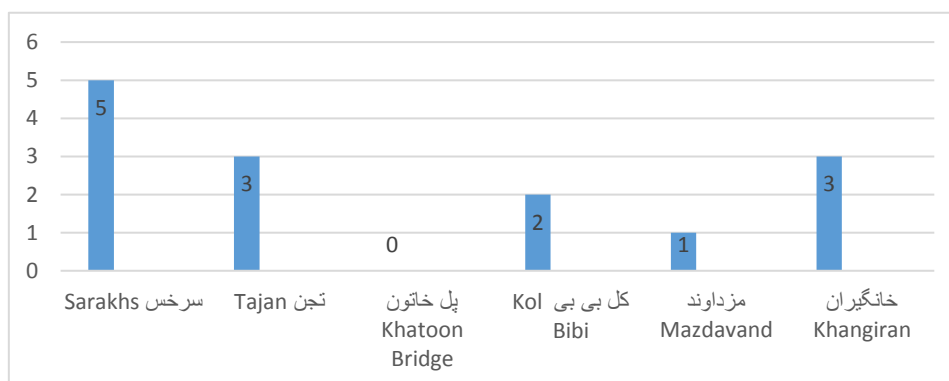
شکل ۱۰: رتبه‌بندی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پراکنندگی استقرارهای اشکانی دشت سرخس

Fig. 10: Ranking of effective factors in the formation and dispersal of Parthian settlements in Sarakhs plain



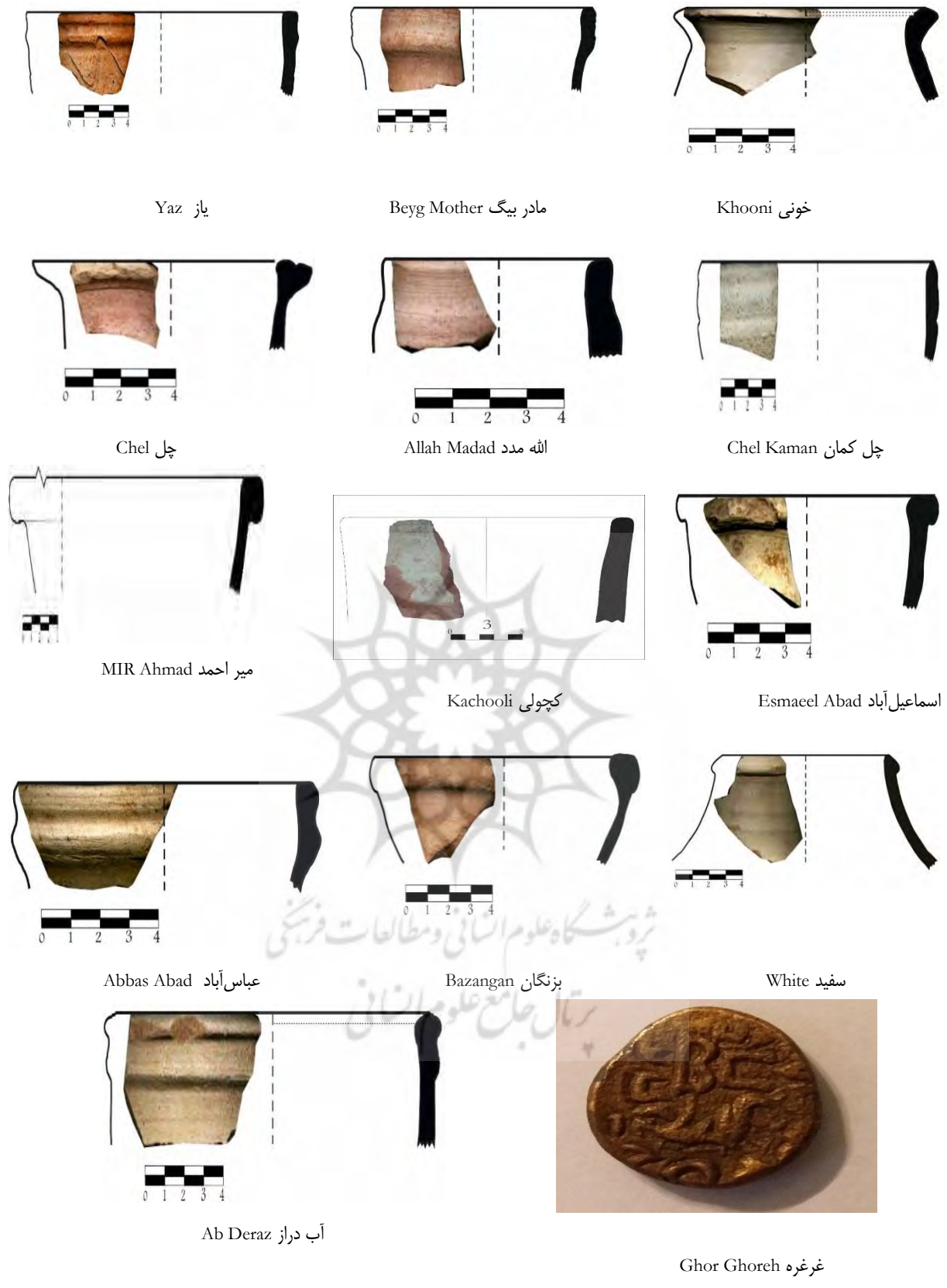
شکل ۱۱: پراکنش جغرافیایی استقرارهای اشکانی دشت سرخس [14]

Fig. 11: Geographical distribution of Parthian settlements in Sarakhs plain [14]



شکل ۱۲: فراوانی استقرارهای اشکانی دشت سرخس

Fig. 12: Frequency of Parthian settlements in Sarakhs plain



شکل ۱۳: تصویر برخی قطعات سفال و سکه استقرارهای اشکانی دشت سرخس
 Fig. 13: Picture of some pottery and coins of Parthian settlements in Sarakhs plain

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به خاستگاه اشکانیان در شمال شرق ایران دشت سرخس هدف یک بررسی روشمند میدانی قرار گرفت تا از روند و چگونگی استقرار و تأثیرگذاری دوسویه طبیعت و انسان در منطقه، درک درستی حاصل شود. نتیجه این بررسی، شناسایی چهارده محوطه استقرار از این دوره بود که این تعداد از منظر عوامل محیطی و وسعت محوطه‌ها، قابل تأمل و ارزیابی است. در دشت سرخس می‌توان هنر و مؤلفه‌های فرهنگی دوره اشکانیان، خصوصاً دوره اول را با توجه به سکه و سفال‌های محلی به‌دست‌آمده، درک کرد. دوره‌ای که سفال لعاب‌دار یکی از شاخصه‌های منحصربه‌فرد آن است و این‌گونه از سفال، از استقرارهای اشکانی دشت سرخس به‌دست‌آمده است. همان‌طور که می‌دانیم استقرارهای دشتی، گونه‌ای از مراکز زیستی است که مکان‌گزینی، شکل‌گیری و توزیع فضایی آن‌ها به‌شدت متأثر از ساختارهای طبیعی و عوامل محیطی است. با این وجود، در این نواحی، بین منابع و امکانات محدود و کثرت جمعیت توازن ایجاد نمی‌شود. دشت سرخس نیز در موقعیتی قرار گرفته است که شرایط طبیعی و منطقه‌ای آن از نظر پستی‌وبلندی، زمین‌شناختی، اقلیم و موقعیت مکانی شرایط ویژه‌ای دارد. همین امر بر توزیع جمعیت، نوع معیشت و نحوه استقرار سکونت‌گاه‌ها و کالبد ساختاری آن‌ها اثری غیرقابل‌انکار داشته است. استقرارهایی که در این دشت شناسایی شد، زائیده همین شرایط جغرافیایی خاص است. وجود استقرارها در این دشت به احتمال زیاد در نتیجه موقعیت سوق‌الجیشی دشت و قرارگیری آن در مسیر راه ارتباطی جاده ابریشم بوده است. دشت سرخس به‌واسطه نزدیکی به جنوب ترکمنستان و شهر نسا، یکی از مناطق بالقوه مهم تاریخ اشکانیان محسوب می‌شود. نتایج بررسی شاخص‌ها و استعدادهای اقلیمی و محیطی این دشت نشان از تفاوت‌های معناداری بین قسمت‌های گوناگون دشت دارد. چنان‌که بسیاری از استقرارها سابقه اسکان بلندمدتی دارند؛ مانند زیستگاه‌هایی که در اطراف رودهایی چون تجن، کشف رود و هریرود شکل گرفتند و سابقه استقراری آن‌ها به دوره پیش‌ازتاریخ می‌رسد. جمعیت‌پذیری غرب سرخس و حوالی بزنگان، برخلاف ناحیه تجن و شمال سرخس تا حدی به‌صورت طبیعی و به‌مرورزمان به مناسبت جاذبه‌های طبیعی، امکانات کشاورزی و دامداری صورت پذیرفته است. استقرارهای مرکزی دشت سرخس نمایانگر توسعه جمعیت، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری و استقرارهایی با مساحت بزرگ‌تر است. وجود رودخانه‌هایی چون کشف‌رود، تجن، شورلوق و هریرود از یک‌سو و اوضاع جوی نسبتاً مساعد دشت از سوی دیگر، نشان از استقرارهای دوره اشکانیان دارد. وسعت و تداوم سکونتگاه‌ها در محل‌های ذکرشده، نشان داد که این دشت با امکانات و شرایط زیست‌محیطی رابطه مستقیمی دارد؛ به‌گونه‌ای که کمیّت و کیفیت استقرارها، با فراوانی و افزایش استقرارها فزونی یافته است. شواهد استقرارهای اشکانی منطقه در پژوهش حاضر در چارچوب عوامل گوناگون طبیعی از قبیل فاصله از رودخانه، شکل زمین، ارتفاع، جاده‌های ارتباطی، اقلیم، پوشش گیاهی و نوع خاک، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش مبین آن است که این عوامل نقش بارزی در شکل‌گیری و پراکنش محوطه‌ها داشته‌اند. خروجی نقشه‌ها و داده‌های استقرارهای اشکانی منطقه، نشان داد که از میان عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری استقرارها، دوری و نزدیکی یا قرار گرفتن استقرارها در امتداد مسیر رودخانه‌ها (الگوی استقرار خطی)، راه‌های ارتباطی (نسا و جاده ابریشم)، ارتفاع و ناهم‌واری در مکان‌گزینی استقرارها در محدوده ارتفاعی بین ۳۰۰ تا ۱۱۰۰ متر از سطح دریا و چگونگی پراکنش آن‌ها در دشت سرخس و همچنین ارتفاعات در شکل‌گیری استقرارها، بیشتر از سایر عوامل محیطی تأثیرگذار بوده‌اند. سایر متغیرها یعنی اقلیم، کاربری اراضی و نوع خاک نیز به ترتیب اهمیت و تأثیر مستقیمی در توزیع و پراکنش استقرارهای دشت سرخس داشته‌اند.

References

- [1] Herring Ernie. Hamideh Chubak. Iranian pottery in the Parthian period. Tehran: Cultural Heritage Organization; 1391; p.26. [in Persian].
[هرینگ ارنی. حمیده چوبک. سفال ایران در دوران اشکانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور؛ ۱۳۹۱؛ ص ۲۶.]
- [2] Fray Richard. Zahra Basti. History of Iran during the Parthian and Sassanid eras in Mesopotamia. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt); 1389; p.22. [in Persian].
[فرای ریچارد. زهرا باستی. تاریخ ایران در دوران اشکانی و ساسانی در بین‌النهرین. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۳۸۹؛ ص ۲۲.]
- [3] Ebrahimi Zanganeh. Discovery record report. Tehran: Cultural Heritage Organization; 1384; p.8 [in Persian].

- [4] Nami Hassan. Proposed analysis and chronology of Chapashloo hill town in Dargaz city; Northeast of Iran, Archaeological Research of Iran; February 2017; pp. 124-126. [in Persian].
 [نامی حسن. تحلیل و گاه‌نگاری پیشنهادی شهر تپه چاپشلو در شهرستان درگز؛ شمال شرق ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران: بهمن ۱۳۹۶؛ ص ۱۲۴-۱۲۶.]
- [5] Basafa Hasan. Explain the pottery characteristics of the early Parthian period in the Kashfarud basin; Based on the typology of Ismail Abad hill pottery in Mashhad, Archaeological studies: 1397; Volume 10; Number; p 27. [in Persian].
 [باصفا حسن. تبیین شاخصه‌های سفالی اوایل دوره پارتی در حوضه کشف‌رود؛ بر اساس گونه‌شناسی سفال‌های تپه اسماعیل‌آباد مشهد، مطالعات باستان‌شناسی: ۱۳۹۷؛ دوره ۱۰؛ شماره ۱؛ ص ۲۷.]
- [6] Maab Consultants. Strategic and operational structure of tourism in Khorasan Razavi province: basic environmental studies; Cultural Heritage Organization of the country; 1389; p.1. [in Persian].
 [مشاورین م‌آب. طرح ساختار راهبردی و عملیاتی گردشگری استان خراسان رضوی: مطالعات پایه محیطی؛ سازمان میراث فرهنگی کشور؛ ۱۳۸۹؛ ص ۱.]
- [7] Yousefian Morteza. Investigation of geomorphology units and its relationship with groundwater resources in Sarakhs plain: Master's thesis, Sabzevar Teacher Training University: Faculty of Geography; 1390; p. 3. [in Persian].
 [یوسفیان مرتضی. بررسی واحدهای ژئومورفولوژی و ارتباط آن با منابع آب زیرزمینی دشت سرخس: پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم سبزوار: دانشکده جغرافیا؛ ۱۳۹۰؛ ص ۳.]
- [8] Nami Hassan. Archaeological study of Parthian sites in Dargaz city; Northeast of Iran, Archaeological Studies: February 2017; p. 17. [in Persian].
 [نامی حسن. بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز؛ شمال شرق ایران، مطالعات باستان‌شناسی: بهمن ۱۳۹۸؛ ص ۱۷.]
- [9] Rahbar Mahdi. Archaeological excavations of Dargaz Bandian; Archaeological reports; 1376; p.17. [in Persian].
 [رهبر مهدی. کاوش‌های باستان‌شناختی بندیان درگز؛ گزارش‌های باستان‌شناختی؛ ۱۳۷۶؛ ص ۱۷.]
- [10] Cellerino, A. ۲۰۰۸ La ceramica. in: Invernizzi, A., Lippolis, C. (eds.), Nisa Partica. Ricerche nel complesso monumentale Arsacide. Monografie di Mesopotamia IX. Le Lettere, Firenze, pp. ۲۰۹-۱۹۷.
- [11] Usmanova, ZI, 1963. Erk-Kala (based on the materials of STACE 1955-1959) TUTAKE (TЮTAKЭ) XI:20-94.
- [12] Binford, L. R. 1982 "The Archaeology of Place", Journal of Anthropological Archaeology, Vol. 1, PP. 5-31.
- [13] Ashmore. W, 1999, Archaeologies of Landscape: Contemporary Perspectives, Oxford: Blackwell.
- [14] Geological Survey of Iran. Geological map of settlers and mercenaries; 1383. [in Persian].
 [سازمان زمین‌شناسی کشور. نقشه زمین‌شناسی خان‌گیران و مزدوران؛ ۱۳۸۳.]
- [15] Ministry of Energy. Sarakhs Groundwater Report; 1383; p.34. [in Persian].
 [وزارت نیرو. گزارش آب‌های زیرزمینی سرخس؛ ۱۳۸۳؛ ص ۳۴.]
- [16] Mousavi Nia Seyed Mehdi. Khomein city in Parthian and Sassanid eras based on archaeological studies; Central research culture; 1393; Year 1 (2) p 28. [in Persian].
 [موسوی‌نیا سید مهدی. شهرستان خمین در دوران اشکانی و ساسانی بر اساس مطالعات باستان‌شناسی؛ فرهنگ پژوهی مرکزی؛ ۱۳۹۳؛ سال ۱ (۲) ص ۲۸.]
- [17] Altheim Frants. Houshang Sadeghi. Writings on Parthian history and culture. Tehran: Elam; 1389; p.20. [in Persian].
 [آلتهايم فرانتس. هوشنگ صادقی. نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان. تهران: عیلام؛ ۱۳۸۹؛ ص ۲۰.]
- [18] Saeedi Abbas. Sarakhs yesterday and today. Toos: University of Tehran; 1354; p.4. [in Persian].
 [سعیدی عباس. سرخس دیروز و امروز. توس: دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۴؛ ص ۴.]
- [19] Ahmadi, Mohammad Sarakhs Naseri. Mashhad: Astan Quds Razavi; 1391; p. 43. [in Persian].
 [احمدی، محمد. سرخس ناصری. مشهد: آستان قدس رضوی؛ ۱۳۹۱؛ ص ۴۳.]

[20] Reports of the Meteorological Organization of the country. Razavi Khorasan: Sarakhs city; 1382; p.64.
[in Persian].

[گزارشات سازمان هواشناسی کشور. خراسان رضوی: شهرستان سرخس؛ ۱۳۸۲؛ ص ۶۴.]

[21] Organization of Forests and Rangelands of the country. Detailed-executive studies; 1381; pp.100-112.
[in Persian].

[سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور. مطالعات تفصیلی - اجرایی؛ ۱۳۸۱؛ ص ۱۰۰-۱۱۲.]

